**تکنیک های نقاشی در دوره ابتدایی**

پژوهشی، اردشیر، رشد معلم، آبان 1373، شماره 104.

وظیفه شما به عنوان معلم هنر دبستان چیست؟ پر کردن ساعتی از وقت دانش آموزان؟ ایجاد سرگرمی و تفریح یا ایجاد فضایی برای رشد قدرت خلاقیت کودک، همراه با بازی، سرگرمی و تفریح؟

معلم هنر می تواند با نحوه برخورد خود کلاسی سرشار از شادی، لذت و آزادی برای پرگشودن اندیشه و احساس کودک تشکیل دهد. اگر معلم هنر، کودک و هنر را بشناسد، کلاس هنر یکی از مفیدترین کلاس ها خواهد شد. زیرا معلم می تواند فضایی برای رشد قدرت خلاقیت کودک و فضایی سرشار از لذت اکتشاف ایجاد کند. اما خلاق بودن معلم شرط اصلی به وجود آمدن چنین فضایی است. اگر می خواهیم کودکانی خلاق بار آوریم، باید خود معلمی خلاق باشیم. فراموش نکنیم که معلم الگوی دانش آموز است.

**پرورش قدرت خلاقیت در کودکان**

در پرورش قدرت خلاقیت کودکان، مهمترین مسئله، شیوه برخورد معلم است. در کلاس هنر، می توان به اشکال متفاوت با کودکان کار کرد. تنوع شیوه ها به اندازه ای است که برای ذکر همه آنها با مشکل مواجه خواهیم شد. یکی از معمولی ترین نوع برخوردها این سات که به بچه ها الگو بدهیم و از آنها بخواهیم از الگوها کپی کنند. همچنین می توانیم آنان را آزاد بگذاریم و بخواهیم با آزادی تمام، نقاشی بکشند یا موضوع خاصی را در کلاس مطرح کنیم و بخواهیم همه طبق آن نقاشی بکشند و ....

ملم هوشیار، همیشه مناسب ترین روش را بر می گزیند. او با علم به اینکه هر روش چه نکات منفی و مثبتی دارد و کجا به کار می آید، روشی بر می گزیند که با روحیه دانش آموزان هماهنگ باشد و بازده کافی و لازم داشته باشد. او باید بداند که هر روش، چه تأثیری بر کودک می گذارد. (تأثیرگذاری ابزار کار بر کودک)

اینک به ذکر چهارچوب کلی و ویژگی هیا برنامه هایی که در رشد ذهن و قدرن خلاقیت کودک اثر دارند، می پردازیم.

1. ارائه برنامه هایی که کودک برای آن انرژی صرف می کند. در برنامه هایی که در کلاس اجرا می کنید، تا چه اندازه به دانش آموزان مجال فکر کردن و دخالت می دهید؟ آیا آنان کاری مکانیکی را طبق برنامه ای از پیش تعیین شده انجام می دهند یا خلاق و پویا و با فکرهای جدید خود در برنامه شرکت می جویند؟

برنامه هایی که ارائه می دهید، باید به گونه ای باشد که راه را بر شرکت کودک در پدید آوردن اثری هنری نبندد. با این حساب، باید به گونه ای برنامه را طراحی کنید که کودک، علاوه بر شرکت فیزیکی مانند رنگ زدن و ... ، از نظر فکری هم در پدید آوردن اثر شرکت کند. او باید بتواند اگر اندیشه و فکری دارد، به راحتی آن را پیاده کند و اما اگر اندیشه تازه ای در ذهن ندارد، او را متوجه این نکه کنید و از او بخواهید کار بیشتری از کارهای معمولی انجام دهد.

کودک باید احساس کند اگر اندیشه های خود را مطرح کند، مورد بی اعتنایی و یا خدای ناخواسته، تمسخر واقع نمی شود و از فکرهیا جدید او استقبال می شود.

برنامه هایی که کودک برای آنها انرژی فکری صرف نمی کند، و فعاالیت فکری ندارد، در پرورش قدرت خلاقیت او هیچ تاثیر و نقشی ندارد و حتی گاه بر او اثر منفی می گذارند. آثاری مانند احساس ضعف در کشیدن نقاشی و یا به طور کلی احساس ناتوانی و بی استعدادی در زمینه های هنری از این دست است. به علاوه، گاه این برنامه ها چنان اثری منفی به جای می گذارند و در دراز مدت به روحیه کودک آسیب می رسانند که او را موجودی کپی کار، ترسو و بدون جرئت و اعتماد به نفس بار می آورند.

برنامه هایی که همیشه خط و ربط خاص و مشخصی را برای کودک تعییم می کنند و فعالیت او به عملی فیزیکی منحصر می شود (مانند رنگ زدن یک تصویر که قبلا معلم یا شخص دیگری آن را طراحی کرده است). این نوع فعالیت ها کمترین مجالی به دخالت فکر و ذهنینت کودک در خلق اثر نمی دهد.

در مجموع می توان چنین نتیجه گرفت که یکی از شرایط اصلی برنامه های ارائه شده باید این باشد که کودک در برنامه دخالت فکری و فیزیکی داشته باشد و بتواند با آن فعالانه و به طور خلاق برخورد کند.

1. **محدودیت های بالنده و بازدارنده**

همیشه بر سر اینمه که کودک را هنگام کشیدن نقاشی آزاد بگذاریم یا او را در محدوده موضوع یا وسیله خاصی قرار دهیم، بحث بوده است. گروهی بر این باورند که کودک باید آزاد آزاد باشد و گروهی عقیده دارند که باید برای کودک از نظر موضوع و ابزارهای کار محدوده ای قایل شویم. حقیقت این است که نمی توان به طور صد در صد و قطعی یکی از این دو راه را برگزید. زیرا معلم خلاق باید با توجه به شرایط کلاس و به حکم ضرورت ها برنامه خود را به گونه ای تنظیم کند که از محدودیت ها و آزادی های موجود نتیجه خوبی به دست آورد. ما محدودیت را به دو بخش یا به دو گونه متفاوت تقسیم می کنیم: محدودیت های بالنده و محدودیت های بازدارنده.

**الف- محدودیت های بالنده**

گاه محدودیت و مشکل، باعث یافتن راه چاره می شود. مواجه شدن با مشکل، فکر کردن درباره آن، جستجوی راه حل و عمل کردن به آن، محدودیت بالنده است، زیرا کودک را در جهت بالندگی فکر و ذهن یاری می دهد. کودک با محدودیت و دشواری های آن کلنجار می رود و سرانجام راه حلی می یابد و پیروز می شود. این روند مواجهه با مشکل تا به نتیجه رسیدن و عمل کردن فرآیندی است که بر ذهن، مکانیسم مغز و حتی شخصیت کودک اثر می گذارد و او را از حالت انفعاللی بیرون می آورد و به موجودی خلاق، آفریننده و فکور تبدیل می کند.

با توجه به مطالب بالا، در می یابیم که اگر برای کودک محدودیتی قایل شویم، باید محدودیتی از این دست، یعنی در جهت بالندگی ذهن او باشد. محدودیتی که نه تنها مجال اندیشیدن را از کودک نمی گیرد، بلکه او را با مسئله درد گیر می کند و ناگزیر به دنبال چاره می گردد. این نوع محدودیت عامل محرکی برای فکر کردن است. در واقع ، محدودیت بالنده به نوعی خاص از آزادی منجر می شود. آزادی ویژه ای که زاییده شرایط سخت است.

نوعی از محدودیت که باعث بالندگی است، در غالب برنامه ای ارائه می شود: به هر دانش آموز ظرفی از مرکب و یک تکه چوب بدهید و از آنها بخواهید که با این چوب یک نقاشی بکشند. این محدودیت به فکر کردن درباره چگونگی استفاده از چوب منجر می شود. همچنین می توانید آنها را محدود کنید که با چند برگ درخت سکلی بسازند. این کار نیز باعث می شود که کودک دقایقی فکر کند و به عملی خلاق دست بزند. برنامه هایی با محدودیت هایی از این دست بسیار است و معلم باید متناسب با شرایط کلاس خود، از آنها بهره ببرد.

یافتن چاره برای مشکلات، ضرورتی حیاتی است و باید کودکان را آموزش داد تا بتوانند برای مقابله با مشکلات چاره ای بیابند. چاره جویی یعنی به کار انداختن قوای ذهنی و جسمی به طور هماهنگ و هدفدار و این همان چیزی است که قدرت خلاقه کودک را تقویت می کند، و توسعه می بخشد. این نوع محدودیت نه تنها مانع رشد کودک نیست، بلکه در رشد تو بسیار موثر خواهد بود. پس محدودیت هایی را که باعث جلوگیری از فکر کودک نمی شود، می تواند بالنده نامید.

**ب- محدودیت های بازدارنده**

نوع دیگری از محدودیت ها، محدودیتی است که کجال فکر کردن را از کودک بگیرد. محدودیت بازدارنده، تنها در یک مورد توصیه می شود و آن هم در مورد کودکانی است که از آنها فقط فعالیت فیزیکی می خواهیم و قرار نیست به طور همزمان، فعالیت ذهنی و جسمی داشته باشند.

این نوع محدودیت ها راه فکر کردن را بر کودک می بندند و او را موجودی ترسو، کپی کار و پیرو بار می آورد. کودک هم عادت می کند که همیشه روی خط و مرزی که برایش مشخص کرده اند، حرکت کند. این نوع محدودیت، اعتماد به نفس را از کودک می گیرد و نمونه آن برگ های تکثیر شده «رنگ بزنید» است که علی رغم اعتراض خانواده ها هنوز هم در مدارس تکثیر و توزیع می شود. این نوع محدودیت ها رشد ذهنی خلاقه کودک را متوقف می کند و به این سبب بازدارنده نامیده می شود.

نکته مهم دیگری که باید به آن اشاده کرد، آزادی کودک در هنگام نقاشی است. در این حالت، معلم به عنوان راهنما، گاه با راهنمایی کردن کودک، به او کمک می کند تا راه های جدیدی پیدا کند. برای مثال، کودک می تواند با همان ظرف مرکب و یک تکه چوب به هر شکلی که بخواهد، استفاده کند.

1. **نحوه استفاده خلاقانه از ابزارهای کار**

در کلاس نقاشی، نباید الزاما در هر جلسه کودک را وادار کنیم که مانند همه، از ابزارهای کار استفاده کند. البته این به آن معنا نیسا که به او آموزش ندهیم. بلکه می توان نحوه استفاده معمولی از ابزارها را به او آموخت و این انگیزه را در او ایجاد کرد که به شیوه نو و بدیع به فکر استفاده از وسایل کار خود باشد. این جستجو برای استفاده جدیدی از ابزارهای کار عاملی برای به کار انداختن قدرت خلاقیت کودک است.

نکته ای که ذکر آن ضروری به نظر می رسد، این است که استفاده غیر معمول از وسایل نقاشی، گاه باعث ایجاد مشکلاتی در کلاس می شود. برای مثال ممکن است دست های کودکان یا لباس های آنها رنگی شود. پیش آمدن چنین مسایلی بسیاری عادی و طبیعی است. و نباید مانع از آن شود که کودک از جستجو و تجربه باز بماند. بنابراین، باید این مشکلات را به نحوی حل کرد که در جهت گشایش راه یک تجربه برای کودک باشد.

در زمینه استفاده های غیر معمول از وسایل، باید کودک را آزاد گذاشت تا خودش تجربه کند. وقتی که وسیله ای را در اختیار او قرار دهیم و از او بخواهیم راه های جدیدی برای استفاده از وسیله پیدا کند، به ناچار فکر، تجربه و عمل خواهد کرد و نتیجه خواهد گرفت. در چنین مواردی، نباید انتظار داشت که کار کودک، فوق العاده خود باشد؛ بلکه ممکن است ثمره ظاهری چندانی نداشته باشد. اما مهم، توان تجربه کردن است که ذهن کودک را فعال می کند.

1. **ایجاد جرأت و اعتماد به نفس**

یکی از شرط های اصلی ارائه کار خلاق، داشتن جرأت کافی است. در آغاز کار، بسیاری از کودکان از این قدرت بی بهره اند. این بی بهره گی، به دلیل برخوردهای غلطی است که سبب شده است آنان اعتماد به نفس خود را از دست بدهند و جرأت کشیدن چیزهای جدیدی نداشته باشند. باید دانست که: «ترس مانع تجربه می شود و تجربه کردن به معنی عدم شناخت است»

تقویت جرأت و شهامت شروع کار، به عهده معلم هنر است. او باید سدی را که پیش روی بچه هاست، بشکند و از آنها بخواهد که بدون در نظر گرفتن قاعده و قانون و چهارچوب های معمول ما نقاشی بکشند. حتی گاه باید اجازه دهد که کارهای غیر معقول انجام دهند. برای مثال اگر دوست دارند خورشید را سبز بکشند، معلم نباید مانع آنها شود. او حتی می تواند در بعضی جلسات به کودکان آزادی کامل بدهد تا جرأت و اعتماد به نفس پیدا کنند. در این جلسات کودک می تواند هر موضوعی را به هر شکلی که می خواهد نقاشی کند، شکل ها را به هم بریزد، رنگ ها را جابه جا کند و ...

کودک می تواند با موضوع برخورد کند و یک نقاشی صد در صد خیالی بکشد. این کار حتی اگر غیر معقول به نظر آِد چندان مهم نیست؛ زیرا سبب ایجاد جرأت و از بین بردن ترس در کودکان، توجه به کارهای تصادفی آنها مانند پاشیدن رنگ روی کاغذ سفید، خط خطی کردن و ... است.

چنین تمرین هایی باعث نی شود که کودک با جرأت و راحتی کار کند و بدون ترس به کارهای جدیدی دست بزند. جرأت و شهامت در فکر و انتخاب موضوع و نحوه به کارگیری ابزارها تجلی می کند. این شکوفایی در صورتی پیش می آید که معلم فضای آرام و سرشار از اطمینان خاطری برای کودک به وجود آورده باشد. کودک هم باید مطمئن باشد که نوآوری و کار خلاق او مورد بی توجهی یا اهانت قرار نخواهد گرفت و در صورت لزوم، تشویق خواهد شد. در این اوقات، معلم باید بسیار هوشیار باشد و علاوه بر حمایت و تشویق راهنمایی های لازم را نیز در حاشیه ارائه کند. راهنمایی هایی که به حیطه فکر کودک دامنه و وسعت بیشتری خواهد بخشید و او را به پدید آوردن اثری جدیدتر رهنمون خواهد شد.

1. **اهمیت دادن به ویژگی های هنری دانش آموزان**

در کلاس هنر نباید الگو تعیین کرد و از همه خواست که از روی الگو نقاشی کنند. بلکه بر عکس باید از دانش آموزان خواست هر طور که دلشان می خواهد نقاشی کنند. زیرا هر دانش آموز برای معلم آن قدر ارزش و اعتبار دارد که بتوان به او اجازه داد هر طور که می خواهد یا هر طور که می بیند نقاشی کند. به علاوه اگر همه را در چهار چوب قرار دهیم، مانع رشد ویژگی های فردی آنها می شویم.

وقتی در کلاس موضوع واحدی اعلام می شود، طبیعتا هرکس باید از زاویه دید خود و با گذراندن موضوع از صافی ذهن خود نقاشی بکشد. معلم باید به شکل، خطها و رنگ هایی که هر دانش آموز به کار برده است، توجه کند. هر دانش آموز ویژگی هایی دارد که ممکن است دانش آموز دیگر نداشته باشد و ویژگی ها باید مورد تقدیر و تشویق قرار بگیرد.

در کلاس هنر باید از مقایسه پرهیز کرد زیرا راه را بر بروز قدرت های فردی می بندد. اما با پرهیز از انتخاب الگو و دوری از مقایسه، راه برای همه باز می شود تا با آزادی و با پویایی کار کنند. اگر، در کلاس هرکس به دلخواه و به شیوه خود موضوع واحدی را نقاشی کند راهی برای بروز خلاقیت آنان پیدا می شود.

1. **لذت کشف کردن**

در کارهای خلاق، لذتی نهفته است که در کارهای تکراری وجود ندارد. . این لذت، لذت کشف کردن است. کشفی که در کارهای هنری رخ می دهد، شاید همیشه قابل بیان نباشد و غالب اوقات، باید یا خود اثر هنری را ببینید یا خود آفریننده اثر هنری باشید. لذت کشف در آفرینش هنری به سادگی قابل انتقال نیست. باید در کلاس نقاشی بچه ها حضور داشته باشید تا ببینید که چگونه کودکان لحظه به لحظه در شادمانی کشف غرق می شوند و چگونه از شدت هیجان فریاد می زنند. ممکن است این کشف پیدا کردن رابطه شاخه های یک درخت یا در زمینه رنگ ها یا کشف روشی جدید در به کارگیری ابزارها باشد. کار خلاق همیشه با لذت کشف همراه است و سبب به بار نشتن استعداد و قدرت خلاقیت کودکان می شود. در حالی که محدودیت های بازدارنده، لذت کشف کردن را از کودکان می گیرد. پس اجازه دهید کلاس هنر با لذت کشف توام باشد. این کشف های پی در پی، کودکان را دچار هیجان می کند. و شما به عنوان معلم، شاهد شور و شعف کودکان خواهد بود.

معلم کلاس هنر باید پویا، خلاق و جسور، پر انرژی، با حوصله و خستگی ناپذیر باشد تا بتواند با کار کودکان برخورد مناسبی داشته باشد. رفتار معلم خلاق، با رفتار معلم خوب اما عادی تفاوت دارد. حتی حرف زدن و کارکردن معلم خلاق، با معلم های دیگر متفاوت است. معلم خلاق در برخورد با اثر هنری کودکان هیچگاه منفعل و بدون تاثیرگذاری نیست. او حتی اگر سکوت می کند یا فقط لبخند می زند خوب می داند که چه می کند. معلم خلاق هیچ وقت چنان دخالت نمی کند که کودک را از حرکت بازدارد و هیچ وقت چنان بی توجه نیست که کودک را دلسرد کند او ضمن آن که از کار تو تقدیر می کند، راه های جدیدی به روی او می گشاید؛ راه هایی به دنیاهای جدید و راه هایی به سوی انسانی خلاق شدن ...